

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال دهم، شماره ۸/۲۴۸ / آبان ۱۴۰۴ / ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵

حق بر محیط زیست



در این شماره می‌خوانید:

حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست در قوانین داخلی و بین‌المللی

نقش دادگاه‌های بین‌المللی در حل اختلافات زیست‌محیطی

مسیر دشوار تحقق عدالت زیست‌محیطی در ایران

حق بر هوای پاک، خاک سالم و آب تمیز؛ قانونی ولی ناتوان

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، علی‌اصغر فریدی و سیروان منصور

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است

و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

حق بر محیط‌زیست



نقی محمودی

و افراد برای استفاده از آن دارای حق و تکلیف هستند. بر اساس اسناد حقوق بشری در خصوص حق بر محیط‌زیست سالم، کشورها تعهداتی دارند که موظف به انجام آن هستند. کشورها طبق اسناد حقوق بشری و قوانین ملی، ملزم به رعایت حق بر محیط‌زیست هستند.

آیندهٔ حیات بشری به داشتن محیط‌زیست سالم و به‌دور از هرگونه آلودگی بستگی دارد و نابودی محیط‌زیست مساوی است با نابودی بشریت. بنابراین هرگونه تخریب و آلودگی محیط‌زیست مطرود بوده و حفاظت از آن وظیفهٔ عمومی است. در این راستا، کشورهای گوناگون در نظام‌های حقوقی خود برای حفاظت از محیط‌زیست، که به‌دلایلی همچون افزایش روزافزون جمعیت شهرها و نیاز به سکونت، پسماندهای شهری و صنعتی، تخریب منابع طبیعی و درختان جنگلی و آلودگی آب و هوا در شهرهای بزرگ روزبه‌روز در معرض تخریب و آلودگی قرار دارد، با تصویب قوانینی، سازمان‌ها، نهادها و مؤسساتی را به امر حفاظت از آن اختصاص داده‌اند که در سطح قوای سه‌گانه وظایف و اختیاراتی را بر عهده دارند. از طرف دیگر، از آنجا که حق بر داشتن محیط‌زیست سالم مصداق حقوق مصادیق حقوق شهروندی است که با توسعهٔ پایدار در ارتباط کامل است، قوانین تصویبی باید در ارتباط حداقلی با اصول توسعهٔ پایدار باشند.

حق بر محیط‌زیست سالم در قوانین داخلی

اصل پنجاهم قانون اساسی:

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفهٔ عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن

حق بر محیط‌زیست سالم یکی از حقوق نوظهور در نظام بین‌المللی حقوق بشر است که اهمیت آن در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. این حق به‌طور مستقیم با سایر حقوق اساسی بشر مانند حق حیات، بهداشت و توسعهٔ پایدار مرتبط است. با این حال، مشکلاتی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی هوا و تخریب منابع طبیعی، تحقق این حق را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

سیانت از محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از حق‌های بنیادین بشر، از جمله تکالیف عمدهٔ دولت در جامعه محسوب می‌شود. کارکردهای دولت‌های امروزی، متأثر از اندیشه‌های حاکمیت مردم، تضمین حقوق بشر، رفاه اجتماعی و ایدهٔ حکمرانی مطلوب با رویکرد توسعهٔ پایدار است. بر همین اساس، هدف اساسی، بررسی تأثیر شاخصه‌های حکمرانی مطلوب در تضمین حق بر محیط‌زیست سالم است. ارتباط حق بر محیط‌زیست سالم با حقوق بشر، تأثیرگذاری شاخصه‌های حکمرانی مطلوب در تضمین محیط‌زیست سالم، سلامتی انسان، بهره‌مندی کارآمد از مواهب طبیعت و جبران خسارات زیست‌محیطی، از مهم‌ترین مؤلفه‌هاست. با کاربردی کردن مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در جامعه و تحقق کارویژه‌های دولت و با سازوکارهای آموزش زیست‌محیطی، حق بر محیط‌زیست سالم به‌نحو مؤثری مورد سیانت و حمایت قرار می‌گیرد.

محیط‌زیست به‌عنوان یک امانت عمومی است که باید برای نسل‌های آینده حفظ شود و کشورها

که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. اولین قانون در ارتباط با حق بر محیط‌زیست سالم در سال ۱۳۵۳ تحت عنوان قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست در بیست‌ویک ماده به تصویب رسیده است.

قانون مدیریت پسماندها مشتمل بر بیست‌وسه ماده در سال ۱۳۸۳ تصویب شده است.

حق بر محیط‌زیست سالم در منشور حقوق شهروندی

بر اساس ماده ۱۱۳ منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)، هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و حق آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط‌زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند. قانون دیگر، قانون هوای پاک است که در سال ۱۳۹۶ مشتمل بر سی‌وچهار ماده به تصویب رسیده است.

مبانی حقوقی حق بر محیط‌زیست سالم در نظام بین‌المللی حقوق بشر

اسناد بین‌المللی مرتبط با حق بر محیط‌زیست سالم

حق بر محیط‌زیست سالم در اسناد مختلف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله:

- **اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲):** نخستین سند بین‌المللی که ارتباط میان حقوق بشر و محیط‌زیست را مطرح کرد.
- اصل نخست این اعلامیه بیان می‌کند: «انسان از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی،

برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط‌زیستی برخوردار است که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت بدهد. او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط‌زیست برای نسل‌های امروز و آینده را بر عهده دارد.»

● کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم (UNFCCC)

این معاهده بین‌المللی که در سال ۱۹۹۲ به امضا رسید، چارچوب همکاری جهانی برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی را ایجاد کرد.

● **اعلامیه ریو (۱۹۹۲):** توسعه پایدار را به‌عنوان اصل اساسی برای حفاظت از محیط‌زیست معرفی کرد.

● **کنوانسیون پاریس درباره تغییرات اقلیمی (۲۰۱۵):** بر ضرورت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تأکید دارد.

● **قطعنامه سازمان ملل (۲۰۲۲):** حق بر محیط‌زیست سالم را به‌عنوان یک حق جهانی بشر به رسمیت شناخت.

ضعف اجرای قوانین زیست‌محیطی

بسیاری از کشورها فاقد قوانین مؤثر زیست‌محیطی هستند، و در برخی کشورهایی که قوانین وجود دارد، عدم نظارت کافی و فساد اداری اجرای آن را دشوار کرده است.

راهکارهای پیشنهادی برای تحقق حق بر محیط‌زیست سالم

۱. تقویت قوانین و معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی
۲. تصویب معاهده‌ای الزام‌آور در سازمان ملل برای اجرای حق بر محیط‌زیست سالم
۳. افزایش مکانیزم‌های نظارتی بین‌المللی برای مقابله با نقض قوانین زیست‌محیطی
۴. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

۵. سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی و بادی

۶. ایجاد مشوق‌های اقتصادی برای شرکت‌هایی که از فناوری‌های پایدار استفاده می‌کنند

۷. افزایش آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان

۸. آموزش محیط‌زیستی در مدارس و دانشگاه‌ها

۹. تشویق مردم به کاهش مصرف پلاستیک، بازیافت زباله و استفاده از حمل‌ونقل عمومی

۱۰. مسئولیت‌پذیری شرکت‌های بزرگ و ارائه گزارش سالانه درباره اثرات زیست‌محیطی

همچنین حذف سوبسید صنایع آلاینده و افزایش مالیات‌های زیست‌محیطی

آخرین گزارش صلح سبز از عملکرد شرکت‌های بزرگ الکترونیکی

گروه جهانی «صلح سبز» عملکرد کمپانی‌های بزرگ را در زمینه کاهش مصرف انرژی و استفاده

از انرژی‌های پاک رصد می‌کند. صنایع الکترونیکی از پرمصرف‌ترین صنایع انرژی در جهان هستند و تولید محصولات کم‌مصرف نقش مهمی در کاهش مصرف انرژی دارد.

این سازمان از سال ۲۰۰۶ شاخص‌هایی برای ارزیابی صنایع سبز الکترونیکی تعریف کرده و بر اساس سه بخش انرژی، محصولات سبز و عملکرد پایدار شرکت‌ها را رتبه‌بندی می‌کند.

خشکیدن دریاچه ارومیه به‌عنوان یک فاجعه زیست‌محیطی

خشکیدن (یا به‌درستی خشکاندن) دریاچه ارومیه یک فاجعه زیست‌محیطی است که عوارض کوتاه‌مدت و بلندمدت آن بر زندگی و معیشت میلیون‌ها نفر اثرات مخرب خواهد داشت.

عوامل اصلی خشک‌شدن دریاچه عبارت‌اند از سوءمدیریت آب، احداث پروژه‌های عمرانی مانند بزرگراه در بستر دریاچه، برداشت بی‌رویه از رودخانه‌های تغذیه‌کننده، تغییرات اقلیمی و کاهش

بارش‌ها.

پیامدها شامل افزایش شوری، ایجاد شورزار به وسعت ۱۵۰ هزار هکتار، کوبری شدن خاک، تخریب کشاورزی، تهدید گردشگری، نابودی زنجیره حیات، مرگ‌ومیر پرندگان، اختلال در عبور شناورها و اتصال جزایر ۹گانه پارک ملی است. آشکارشدن ۸ میلیارد تن نمک سلامت و معیشت بیش از ۱۰ میلیون نفر را تهدید می‌کند.

برخورد امنیتی با معترضان

در بیست سال گذشته ده‌ها فعال آذربایجانی به دلیل اعتراض مسالمت‌آمیز به خشک‌شدن دریاچه ارومیه بازداشت، شکنجه و به حبس و شلاق محکوم شده‌اند.

نتیجه‌گیری

حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یک حق اساسی و بنیادین جای خود را در مجموعه حقوق بشر باز کرده است. توجه ویژه به این حق موجب شناخت ظرفیت‌های حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده است.

حق بر محیط‌زیست بخشی از حق بر زندگی با استاندارد مناسب، حق بر بهداشت، حق بر هوای سالم و حق بر ویژگی‌ها و علائق فرهنگی است. این حق دارای ماهیتی دو‌بعدی است:

● بعد فردی: حق هر فرد برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست و خودداری از مشارکت در آنها

● بعد جمعی: وظیفه دولت‌ها برای همکاری در سطح ملی و بین‌المللی در حل مسائل زیست‌محیطی

بعد جمعی حق بر محیط‌زیست بیانگر این واقعیت است که همه دولت‌ها و دیگر بازیگران عرصه بین‌المللی باید منافع نوع بشر را بر منافع فردی مقدم دارند.

قوانین بین‌المللی و اجرایی شدن آن‌ها در سطح داخلی است.

مجله «حقوق ما» در رابطه با موضوع حق بر محیط‌زیست در قوانین داخلی و بین‌المللی، کنوانسیون‌های سازمان ملل مرتبط با محیط‌زیست، اعلامیه استکهلم و اعلامیه ریو،

محیط‌زیست به‌عنوان یک اصل مهم در زندگی شهری و روستایی محسوب می‌شود و حمایت و حفاظت اصولی از محیط‌زیست می‌تواند از ایجاد آسیب‌های گسترده به نسل کنونی و نسل‌های آینده جلوگیری کند. متأسفانه بسیاری از کشورها برای درآمدزایی بیشتر و توسعه تکنولوژی، صرفاً به بخش درآمدزای کسب‌وکار خود در سطح بین‌المللی توجه کرده‌اند و اهمیتی به حفظ و حمایت از محیط‌زیست نداده‌اند و حتی بلوغ فکری در سیاست‌های آن‌ها مشاهده نمی‌شود. با این حال، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، با وجود پیوستن به کنوانسیون‌ها و معاهدات مرتبط با محیط‌زیست و حتی وجود قوانین متعدد، در روند عملی سیاست‌های اجرایی با ابهام مواجه هستیم و در بسیاری از مواقع تنها نسل کنونی جامعه و رفح نیازهای آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین تمرکز بر بسیاری از جنبه‌های واقع‌بینانه این امر صورت نمی‌گیرد و این موضوع نشان‌دهنده ضرورت توجه به

محیط‌زیست به‌عنوان یک اصل مهم در زندگی شهری و روستایی محسوب می‌شود و حفاظت اصولی از محیط‌زیست می‌تواند از ایجاد آسیب‌های گسترده به نسل کنونی و نسل‌های آینده جلوگیری کند. متأسفانه بسیاری از کشورها برای درآمدزایی بیشتر و توسعه تکنولوژی، صرفاً به بخش درآمدزای کسب‌وکار خود در سطح بین‌المللی توجه کرده‌اند و اهمیتی به حفظ و حمایت از محیط‌زیست نداده‌اند و حتی بلوغ فکری در سیاست‌های آن‌ها مشاهده نمی‌شود. با این حال، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، با وجود پیوستن به کنوانسیون‌ها و معاهدات مرتبط با محیط‌زیست و حتی وجود قوانین متعدد، در روند عملی سیاست‌های اجرایی با ابهام مواجه هستیم و در بسیاری از مواقع تنها نسل کنونی جامعه و رفح نیازهای آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین تمرکز بر بسیاری از جنبه‌های واقع‌بینانه این امر صورت نمی‌گیرد و این موضوع نشان‌دهنده ضرورت توجه به

ایران به کدامیک از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با محیط‌زیست پیوسته است؟

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، به تعدادی از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست پیوسته است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کنوانسیون تنوع زیستی (کنوانسیون ریو) که در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۶ به آن پیوست. هدف این کنوانسیون حفاظت از تنوع زیستی، استفاده پایدار از اجزا و دسترسی عادلانه به منابع ژنتیکی است. با توجه به تنوع زیستی گسترده در ایران، اهمیت الحاق



سیروان منصوری

حق بر محیط‌زیست در قوانین داخلی و بین‌المللی



و اجرایی شدن این کنوانسیون بسیار قابل تأمل حقوقی داخلی دارد؟

است. ۱. کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۶ به آن ملحق شد. هدف آن کاهش اثرات تغییرات اقلیمی ناشی از گازهای گلخانه‌ای است. ۲. کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۶ به آن ملحق شد. هدف آن کاهش اثرات تغییرات اقلیمی ناشی از گازهای گلخانه‌ای است. ۳. پروتکل مونترال درباره تخریب لایه اوزون که در سال ۱۹۸۶ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۰ به آن پیوست. هدف آن حذف تدریجی مواد شیمیایی مخرب لایه اوزون است. ۴. کنوانسیون رامسر که در سال ۱۹۷۱ به واسطه میزبانی ایران تصویب شد و ایران از اعضای بنیان‌گذار آن است. هدف آن حفاظت از تالاب‌ها است. ۵. کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر (CITES) که ایران نیز به آن و سایر کنوانسیون‌های مرتبط پیوسته است. با این حال، صرف الحاق کشورها کافی نیست و نگاه اجرایی و دقیق، لازمه تحقق اهداف معاهدات است.

۴. کنوانسیون رامسر که در سال ۱۹۷۱ به واسطه میزبانی ایران تصویب شد و ایران از اعضای بنیان‌گذار آن است. هدف آن حفاظت از تالاب‌ها است.

۵. کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر (CITES) که ایران نیز به آن و سایر کنوانسیون‌های مرتبط پیوسته است. با این حال، صرف الحاق کشورها کافی نیست و نگاه اجرایی و دقیق، لازمه تحقق اهداف معاهدات است. ۶. کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۶ به آن ملحق شد. هدف آن کاهش اثرات تغییرات اقلیمی ناشی از گازهای گلخانه‌ای است. ۷. پروتکل مونترال درباره تخریب لایه اوزون که در سال ۱۹۸۶ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۰ به آن پیوست. هدف آن حذف تدریجی مواد شیمیایی مخرب لایه اوزون است. ۸. کنوانسیون رامسر که در سال ۱۹۷۱ به واسطه میزبانی ایران تصویب شد و ایران از اعضای بنیان‌گذار آن است. هدف آن حفاظت از تالاب‌ها است. ۹. کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۶ به آن ملحق شد. هدف آن کاهش اثرات تغییرات اقلیمی ناشی از گازهای گلخانه‌ای است. ۱۰. پروتکل مونترال درباره تخریب لایه اوزون که در سال ۱۹۸۶ تصویب شد و ایران در سال ۱۹۹۰ به آن پیوست. هدف آن حذف تدریجی مواد شیمیایی مخرب لایه اوزون است.

تعهدات ایران در قبال معاهدات زیست‌محیطی چه جایگاهی در نظام

نقش اعلامیه استکهلم و اعلامیه ریو در وجود ندارد و این موضوع یک خلأ مهم در نظام شناسایی حق بر محیط‌زیست چیست؟ بین الملل است. با این حال، پیگیری این حق از این دو اعلامیه از اسناد بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شوند و از جمله:

نقش مهمی در زمینه‌سازی برای شناسایی حق بر محیط‌زیست به‌عنوان یک حق بشری ایفا کرده‌اند. ● دیوان بین‌المللی دادگستری ● کمیته حقوق بشر سازمان ملل ● کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و

اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) آغازگر گفت‌وگوی جهانی درباره رابطه محیط‌زیست و توسعه انسانی است و اصل نخست آن پایه‌گذار مفهوم

حق بر محیط‌زیست سالم شناخته می‌شود. ● دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلامیه ریو (۱۹۹۲) که در کنفرانس سران زمین تصویب شد، توسعه‌یافته‌تر از اعلامیه استکهلم است و تمرکز اصلی آن بر مفهوم توسعه پایدار قرار دارد. ● سازمان‌های مردم‌نهاد

با وجود این، هر دو اعلامیه اسناد غیرالزام‌آور محسوب می‌شوند. در ایران نیز ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی) نقش ویژه‌ای برای سازمان‌های مردم‌نهاد در

اعلام جرم، ارائه مستندات، معرفی کارشناس و مشارکت در برخی مراحل دادرسی در موارد محیط‌زیستی قائل شده است؛ هرچند اجرای

با وجود اهمیت بالای حمایت از محیط‌زیست، عملی آن همچنان با چالش همراه است. هنوز دادگاه جهانی اختصاصی محیط‌زیست

نقش دادگاه‌های بین‌المللی در حل اختلافات زیست‌محیطی



سیروان منصور

آیا حق بر محیط‌زیست در اسناد بین‌المللی حقوق بشر (مانند میثاقین ۱۹۶۶) صراحت دارد؟

حق بر محیط‌زیست سالم از مفاهیم نوظهور در گفتمان جهانی حقوق بشر است که امروزه به‌عنوان پیش‌شرطی بنیادین برای بهره‌مندی از سایر حقوق اساسی انسان شناخته می‌شود. در جهانی که بحران‌های زیست‌محیطی بیش از هر زمان دیگری حقوق بشر را تهدید می‌کنند، بررسی جایگاه این حق در اسناد بین‌المللی ضرورتی انکارناپذیر یافته است.

در جهانی که نفس زمین به شماره افتاده است، حق بر محیط‌زیست دیگر یک مطالبه لوکس یا تجملی نیست، بلکه سنگ‌بنای بقا و کرامت انسانی است. وقتی هوا برای تنفس وجود ندارد و آب برای نوشیدن آلوده است، دیگر چگونه می‌توان از حق حیات، سلامت یا سایر حقوق سخن گفت؟

مجله «حقوق ما» در رابطه با موضوع حق بر محیط‌زیست در قوانین داخلی و بین‌المللی، تخریب محیط‌زیست با منشأ فرامرزی، استناد به حقوق بین‌الملل در دادگاه‌های داخلی در پرونده‌های زیست‌محیطی، و نقش دادگاه‌های بین‌المللی در حل اختلافات زیست‌محیطی، با دکتر فاطمه مرادی، وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه، گفت‌وگو کرده است.

به بیان دیگر، محیط‌زیست سالم پیش‌شرط عملی تحقق بسیاری از حقوق بشر است؛ و این

پاسخ به این سؤال نیازمند تمایز میان ذکر صریح یک حق و شناسایی ضمنی و تفسیری آن است. در اسناد کلاسیک حقوق بشر، از جمله دو میثاق ۱۹۶۶، یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «حق بر محیط‌زیست» به‌عنوان یک حق مستقل، به‌صورت لفظی و مستقیم درج نشده است.

با این حال، باید توجه داشت که فلسفه و منطق حاکم بر این میثاق‌ها، فضای تفسیرپذیری را ایجاد کرده است که از درون آن می‌توان حق بر محیط‌زیست را استنباط کرد. برای نمونه، ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بر «حق هر فرد به بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت جسمی و روانی» تأکید دارد، در قرائت‌های امروزی بدون ارتباط با شرایط زیست‌محیطی قابل درک نیست. همچنین ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که به حق حیات می‌پردازد، در بسیاری از تفاسیر حقوقی، در معرض تهدیدهای زیست‌محیطی معنا یافته است.

نکته‌ای است که در سال‌های اخیر در روبه‌های معاصر است. به‌طور کلی، دو نوع بازیگر در تفسیری کمیته‌های ناظر، گزارشگران ویژه سازمان ملل و حتی دیوان‌های منطقه‌ای حقوق بشر برجسته شده است. از سوی دیگر، اسناد بین‌المللی بعدی، مانند اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲، را در قالب‌های زیر دسته‌بندی کرد:

مکانیسم‌های بین‌الدولی (دولت علیه

دولت):

در نهایت، قطعنامه سال ۲۰۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که رسماً «حق بر محیط‌زیست سالم» را به‌عنوان یکی از حقوق بشر به رسمیت شناخت، گامی مهم در راستای تثبیت این حق در نظم حقوقی جهانی به‌شمار می‌رود.

در نتیجه، اگرچه میثاقین ۱۹۶۶ صراحتاً از «حق بر محیط‌زیست» نام نبرده‌اند، اما در بنیان و تفسیر امروزین آن‌ها، این حق نه‌تنها قابل استنتاج است، بلکه جزء لاینفک تحقق سایر حقوق بشر نیز محسوب می‌شود.

در صورت تخریب محیط‌زیست با منشأ فرامرزی، چه راه‌های حقوقی برای شکایت علیه دولت‌ها یا شرکت‌ها وجود دارد؟

پیگرد شرکت‌ها (اشخاص حقوقی

خصوصی):

تخریب محیط‌زیست با منشأ فرامرزی از چالش‌برانگیزترین مسائل حقوق بین‌الملل در بسیاری از موارد، شرکت‌های چندملیتی منشأ اصلی آلودگی‌های فرامرزی هستند. راه‌های



حقوقی موجود برای قربانیان چنین اقدامات زیست‌محیطی با نقض حقوق بنیادینی مانند شامل اقامه دعوا در کشور محل ثبت شرکت، حق حیات، سلامت یا مسکن همراه باشد. برای استفاده از اصول «مسئولیت زنجیره تأمین» و نمونه، دیوان حقوق بشر اروپا در پرونده Lopez «مراقبت مستمر» که در برخی کشورها مانند Ostra v. Spain تخریب محیط‌زیست را ناقض حق احترام به زندگی خصوصی دانست. فرانسه، هلند و آلمان در قوانین الزام‌آور شده‌اند، و بهره‌گیری از مکانیسم‌های شبه‌قضایی

راهکارهای قراردادی و معاهده‌ای:

سازمان ملل در چارچوب اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر است. برخی معاهدات زیست‌محیطی، مانند کنوانسیون بازل، کنوانسیون پاریس یا کنوانسیون آرهوس، مکانیسم‌هایی برای حل

دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر:

قربانیان در برخی مناطق، مانند اروپا، آمریکا و آفریقا، می‌توانند به دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر مراجعه کنند، به‌ویژه زمانی که آلودگی شرایط خاص قابل استفاده هستند.

مسیر دشوار تحقق عدالت زیست محیطی در ایران



علی اصغر فریدی

کیفری ایران، و توجه دادگاهها و مراجع قضایی به مسئله محیط زیست، با نادر بارانی، وکیل دادگستری، گفت و گو کرده است.

نقش سازمان حفاظت محیط زیست ایران از منظر حقوقی چیست؟

زیستن در سرزمینی که نفس کشیدن در آن حق شمرده نمی شود، انسان را به این فکر می اندازد که آیا «محیط زیست» فقط مسئله درختان و رودهاست یا بخشی از کرامت انسانی ما؟ دغدغه محیط زیست فقط زیست بوم نیست، بلکه زیست حق است: حق بر حیات سالم، حق بر عدالت بین نسلی، حق بر آینده ای که هنوز نیامده و ما در قبالش مسئول هستیم.

در ایران امروز، این پرسش که «حق بر محیط زیست» دقیقاً چه جایگاهی در نظام حقوقی ما دارد، از یک بحث تخصصی فراتر رفته و به یکی از ضروری ترین دغدغه های شهروندی بدل شده است. زیستن در کلان شهرهایی که هوای آلوده آنها نفس گیر شده است، یا دیدن رودخانه هایی که دیگر نمی جوشند و مراعاتی که دیگر نمی رویند، همه نشانه هایی از فقدان توجه کافی به حقوق زیست محیطی است؛ فقدانی که می تواند پیامدهای عمیق اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی به همراه داشته باشد. بنابراین، بررسی جایگاه حقوقی محیط زیست در ایران نه فقط یک

تمرین نظری، بلکه ضرورتی اجتماعی برای آینده ای پایدار است.

مجله «حقوق ما» درباره حق بر محیط زیست در قوانین داخلی و بین المللی، ارتباط توسعه پایدار با محیط زیست، نقش نهادهای مردم نهاد و ان جی اوها، جرایم علیه محیط زیست در قوانین

عاهده دارد قرار نگرفته است. برخلاف بسیاری از کشورهای که نهادهای محیط زیستی دارای اختیارات قضایی، قدرت اعمال جریمه یا حتی امکان ورود مستقیم به دعاوی حقوقی و کیفری هستند، سازمان حفاظت محیط زیست ایران بیشتر کارکردی اداری و مشورتی دارد. به عبارت دیگر، این سازمان گرچه مسئول بسیاری از امور کلیدی است، اما اختیارات عملیاتی و الزام آور محدودی دارد. در اغلب موارد، گزارش های کارشناسی این نهاد ممکن است نادیده گرفته شود یا در سطحی غیر الزام آور باقی بماند.

برای نمونه، در پروژه های بزرگ مانند احداث سد گتوند یا انتقال آب میان حوضه ای، سازمان محیط زیست گاه نظرات انتقادی یا هشداردهنده ارائه داده است؛ اما به دلیل نبود پشتوانه قانونی قوی یا اراده سیاسی، این هشدارها نادیده گرفته شده اند. این نابرابری میان مسئولیت و اختیار، یکی

از مشکلات ساختاری جدی در نظام حفاظت از محیط‌زیست ایران است.

در ایران، افراد یا سازمان‌های مردم‌نهاد چه حقوقی برای شکایت از تخریب محیط‌زیست دارند؟

از منظر تئوریک، اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ محیط‌زیست را وظیفه‌ای همگانی معرفی می‌کند و بر ممنوعیت فعالیت‌های مخرب تأکید دارد. همچنین، اصل ۱۵۶ قانون اساسی دادستانی را مکلف می‌داند که از حقوق عمومی دفاع کند. بر پایه این اصول، شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد (ان‌جی‌اوها) از جایگاه قانونی برای ورود به دعاوی محیط‌زیستی برخوردارند.

اما در عمل چند مانع جدی وجود دارد. نخست آن‌که نظام حقوقی ایران هنوز به رسمیت‌شناختن کامل «دعوی جمعی» را نهادینه نکرده است؛ بنابراین، سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیاری از موارد فاقد اهلیت لازم برای اقامه دعوا تلقی می‌شوند، مگر در مواردی که مجوز خاص از دولت گرفته باشند. دوم آن‌که مراجع قضایی در بسیاری از موارد منافع عمومی را از منظر اقتصادی، و نه محیط‌زیستی، تفسیر می‌کنند؛ به‌ویژه در پرونده‌هایی که تعارض میان سرمایه‌گذاری و حفاظت از منابع طبیعی وجود دارد.

نمونه‌هایی از مشارکت موفق مردم در دفاع از محیط‌زیست وجود دارد؛ مانند توقف ساخت کارخانه پتروشیمی در میانکاله یا مقاومت علیه معدن‌کاوی در جنگل‌های هیرکانی. با این حال، این موارد عمدتاً برآمده از فشار افکار عمومی، رسانه‌ها یا حمایت برخی نهادها بوده است، نه حاصل یک روند رسمی

قضایی نهادینه‌شده. بنابراین، تقویت حقوق شکایت جمعی و تسهیل ورود نهادهای مردمی به نظام دادرسی، یکی از مطالبات مهم برای تحقق عملی «حق بر محیط‌زیست» است.

مفهوم «حق بر توسعه پایدار» چگونه با حق بر محیط‌زیست در قوانین ایران پیوند می‌خورد؟

مفهوم توسعه پایدار که ریشه در گزارش بروتلند (۱۹۸۷) دارد، بر ضرورت تأمین توسعه اقتصادی در کنار حفاظت از محیط‌زیست و تحقق عدالت اجتماعی برای نسل‌های آینده تأکید می‌کند. در نظام حقوقی ایران این مفهوم به‌صورت مستقیم وارد متون قانونی نشده است، اما اصولی مانند اصل ۵۰ قانون اساسی یا بندهایی از برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، به‌نوعی به آن اشاره دارند.

با این حال، در سیاست‌گذاری‌های عملی توازن میان توسعه و محیط‌زیست به‌ندرت رعایت می‌شود. بسیاری از پروژه‌های عمرانی بدون ارزیابی زیست‌محیطی راهبردی به اجرا درمی‌آیند. در حالی که ارزیابی اثرات محیط‌زیستی پروژه‌ها در برخی موارد به‌صورت آیین‌نامه‌ای الزامی شده است، اما معمولاً با سرعت و کیفیت پایین انجام می‌شود و در برابر منافع اقتصادی نادیده گرفته می‌شود.

حق بر توسعه پایدار تنها زمانی محقق می‌شود که چرخه تصمیم‌گیری در کشور به ارزیابی جامع زیست‌محیطی مجهز شده باشد و صداها مستقل از منافع دولتی یا اقتصادی بتوانند در طراحی و اجرای پروژه‌ها ایفای نقش کنند. همچنین لازم است آموزش و آگاهی درباره مفاهیم توسعه پایدار در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و دانشگاهی گسترش

یابد.

به‌شدت احساس می‌شود.

چه ضمانت‌های اجرایی در قوانین کیفری ایران برای جرایم علیه محیط‌زیست پیش‌بینی شده است؟

در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، به‌ویژه در ماده ۶۸۸، برخی از جرایم زیست‌محیطی، مانند آلودگی منابع آبی، تخلیه مواد آلاینده یا تهدید بهداشت عمومی، جرم‌انگاری شده‌اند. همچنین آیین‌نامه‌هایی از سوی هیئت وزیران یا سازمان محیط‌زیست برای حفاظت از گونه‌های نادر، جنگل‌ها، پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده صادر شده‌اند که تخلف از آن‌ها می‌تواند تحت عنوان جرم تلقی شود.

با این حال، یکی از مشکلات اساسی پایین‌بودن میزان مجازات‌ها و نبود ضمانت اجرای مؤثر است. برای مثال، جریمه شکار یک گونه در حال انقراض ممکن است رقمی باشد که یک شکارچی غیرمجاز به‌راحتی پرداخت کند و حتی آن را در برابر سود حاصل از فروش حیوان «سرمایه‌گذاری» تلقی کند. همچنین، در پرونده‌هایی که شرکت‌های بزرگ یا پروژه‌های ملی دخیل هستند، تعقیب کیفری معمولاً با ملاحظات سیاسی یا اقتصادی روبه‌رو می‌شود و عملاً متوقف می‌ماند.

نبود دادگاه‌ها یا دادرهای تخصصی محیطی نیز باعث شده است قاضیان بدون دانش تخصصی در این حوزه تصمیم‌گیری کنند؛ تصمیم‌هایی که گاه درک دقیقی از ابعاد پیچیده آسیب به بوم‌سازگان ندارند. برای بهبود این وضعیت، نیاز به اصلاح قوانین کیفری، افزایش مجازات‌ها، و آموزش قضات و ضابطان خاص در زمینه حقوق محیط‌زیست

حق بر هوای پاک، خاک سالم و آب تمیز؛ قانونی ولی ناتوان



علی‌اصغر فریدی

شده است. اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی دانسته است و بر حفظ آن برای نسل‌های کنونی و آینده تأکید دارد. این اصل، فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی‌ای را که به آلودگی یا تخریب غیرقابل‌جبران محیط‌زیست منجر شوند ممنوع می‌کند.

علاوه بر قانون اساسی، قوانین دیگری مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست (مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی) چارچوب‌های حقوقی لازم برای حفاظت از محیط‌زیست را فراهم کرده‌اند. این قانون، سازمان حفاظت محیط‌زیست را مسئول نظارت بر اجرای مقررات زیست‌محیطی می‌داند. قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴) نیز به‌طور خاص به کاهش آلودگی هوا و تعیین استانداردها پرداخته است.

قانون مدیریت پسماندها (مصوب ۱۳۸۳) مقررات مربوط به مدیریت صحیح پسماندهای شهری، صنعتی و خطرناک را تنظیم می‌کند. در قوانین کیفری، مانند قانون مجازات اسلامی، تخریب محیط‌زیست در مواردی جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی برای متخلفان پیش‌بینی شده است.

سیاست‌های کلی نظام در حوزه محیط‌زیست، ابلاغ‌شده توسط رهبر جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۴، نیز بر توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارند. علاوه بر موارد فوق، در اسناد برنامه توسعه نیز بندهایی به حفاظت از محیط‌زیست، مدیریت منابع طبیعی و توسعه پایدار اختصاص یافته است که به‌طور غیرمستقیم حق بر محیط‌زیست را تقویت می‌کند.

با وجود این چارچوب‌های قانونی، چالش‌هایی مانند اجرای ناکافی قوانین و ضعف نظارت همچنان وجود دارد.

حق بر محیط‌زیست، به‌عنوان یکی از حقوق بشری نسل سوم، در حقوق داخلی ایران و حقوق بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای یافته است. در ایران، اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی اعلام کرده است و قوانین عادی، مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست (۱۳۵۳) و قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳)، به‌طور غیرمستقیم از این حق حمایت می‌کنند. البته لازم به ذکر است که این موضوع به‌صورت صریح، به‌عنوان حق بشری مستقل در ایران شناسایی نشده است. در حقوق بین‌الملل نیز اسنادی مانند اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و قطع‌نامه‌های سازمان ملل بر حق برخورداری از محیط‌زیست سالم تأکید دارند. سازوکارهای قضایی و اداری در ایران، از جمله محاکم عمومی، دیوان عدالت اداری و سازمان حفاظت محیط‌زیست، برای حمایت از این حق پیش‌بینی شده‌اند؛ اما چالش‌هایی مانند ضعف اجرا و نبود تعریف صریح این حق، اثربخشی آن را محدود کرده است.

مجله «حقوق ما» در رابطه با موضوع حق بر محیط‌زیست در قوانین داخلی و بین‌المللی، نحوه شناسایی این حق در قوانین ایران، سازوکارهای قضایی و اداری برای حمایت از آن، و نقش نهادهای مردم‌محور در این زمینه، با علیرضا خیراندیش، وکیل دادگستری، گفت‌وگو کرده است.

حق بر محیط‌زیست در قانون اساسی ایران و دیگر قوانین داخلی چگونه شناسایی شده است؟

حق بر محیط‌زیست در قانون اساسی ایران و قوانین داخلی به‌طور صریح و ضمنی به رسمیت شناخته

ملاحظات زیست‌محیطی را در پروژه‌های توسعه‌ای الزامی کرده‌اند.

قانون هوای پاک (مصوب ۱۳۹۶) یکی دیگر از قوانین کلیدی است که به‌طور خاص بر حق تنفس هوای پاک تمرکز دارد و وظایف دستگاه‌های اجرایی را در این زمینه مشخص می‌کند. این قانون در ماده ۳۲ ایجاد دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به تخلفات زیست‌محیطی را پیش‌بینی کرده است. آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها نیز ضوابط زیست‌محیطی برای دفع پسماندها را تعیین کرده و بر لزوم هماهنگی با سازمان حفاظت محیط‌زیست تأکید دارد.

با وجود این قوانین، چالش‌هایی مانند عدم اجرای کامل و ضعف نظارت کارآمدی آن‌ها را محدود کرده است. در نهایت، این قوانین در کنار اصل ۵۰ قانون اساسی که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی می‌داند، چارچوبی حقوقی برای تضمین حق بر محیط‌زیست فراهم کرده‌اند، اما نیاز به تقویت اجرا و نظارت همچنان احساس می‌شود.

آیا در حقوق ایران، حق بر محیط‌زیست به‌عنوان یک حق بشری مستقل شناسایی شده است یا بخشی از سایر حقوق است؟

در نظام حقوقی ایران، حق بر محیط‌زیست به‌عنوان یک حق مستقل بشری در قانون اساسی یا قوانین عادی شناسایی نشده است، اما به‌طور ضمنی و به‌عنوان بخشی از سایر حقوق، مانند حق بر سلامت، حق بر حیات و حق بر برخورداری از محیط زندگی مناسب، مورد توجه قرار گرفته است. برای شناسایی صریح این حق به‌عنوان یک حق مستقل بشری، نیاز به اصلاح قوانین، تدوین مقررات جدید و ایجاد سازوکارهای قضایی مؤثر وجود دارد.

مسئولیت مدنی دولت در قبال تخریب

کدام قوانین عادی ایران به‌طور خاص به حق بر محیط‌زیست پرداخته‌اند؟

حق بر محیط‌زیست در ایران، به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، در قوانین عادی و اساسی مورد توجه قرار گرفته است. این حق که به دسترسی به محیط‌زیست سالم و پایدار اشاره دارد، در برخی قوانین عادی ایران به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. حفاظت از محیط‌زیست در ایران از طریق مجموعه‌ای از قوانین و مقررات عادی پیگیری می‌شود که هدف آن‌ها حفظ محیط‌زیست و پیشگیری از آلودگی است.

قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، مصوب ۱۳۵۳ (با اصلاحات بعدی)، یکی از مهم‌ترین قوانین در این حوزه است که وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست را در جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست مشخص می‌کند. این قانون حفاظت از اکوسیستم‌ها و منابع طبیعی، مانند آب، هوا و خاک، را وظیفه عمومی تلقی کرده است. ماده ۱ این قانون بر پیشگیری از هرگونه اقدام مخرب که تعادل محیط‌زیست را بر هم زند تأکید دارد.

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴) نیز به‌طور خاص به کاهش آلودگی هوا و تنظیم استانداردهای کیفیت هوا پرداخته است. مواد ۱۲ و ۱۳ این قانون محدودیت‌هایی برای انتشار آلاینده‌ها توسط صنایع و خودروها تعیین کرده‌اند.

قانون مدیریت پسماندها (مصوب ۱۳۸۳) دیگر قانونی است که مدیریت صحیح پسماندهای عادی، صنعتی و کشاورزی را برای کاهش اثرات مخرب بر محیط‌زیست الزام‌آور می‌کند. این قانون در ماده ۵، وزارت کشور را موظف به تدوین شیوه‌نامه‌های اجرایی برای مدیریت پسماند کرده است.

همچنین مواد ۱۰۵ برنامه سوم توسعه، ۷۱ برنامه چهارم توسعه، و ۱۲۵ و ۱۹۲ برنامه پنجم توسعه،

محیط‌زیست چیست و چگونه می‌توان آن را پیگیری کرد؟

مسئولیت مدنی دولت در قبال تخریب محیط‌زیست در ایران، به‌عنوان یکی از وظایف حاکمیتی، ریشه در اصل ۵۰ قانون اساسی دارد که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه‌ای عمومی اعلام می‌کند. دولت موظف است از اقداماتی که به تخریب محیط‌زیست منجر می‌شود جلوگیری کند و خسارات وارده را جبران کند.

بر اساس قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست (مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی)، دولت مسئولیت نظارت بر فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست را بر عهده دارد. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز هرگونه اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط‌زیست را جرم‌انگاری کرده و برای متخلفان، از جمله

چه سازوکارهای قضایی یا اداری در ایران برای حمایت از محیط‌زیست وجود دارد؟

نهادهای دولتی، مجازات پیش‌بینی کرده است. مسئولیت مدنی دولت می‌تواند شامل جبران خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از آلودگی هوا، آب، خاک یا تخریب منابع طبیعی باشد. برای پیگیری این مسئولیت، شهروندان می‌توانند از طریق طرح دعوا در دیوان عدالت اداری اقدام کنند، به‌ویژه اگر تخریب ناشی از تصمیمات یا اقدامات دستگاه‌های دولتی باشد. ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری امکان رسیدگی به شکایات علیه نهادهای عمومی را فراهم کرده است.

همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی می‌توانند از طریق دادگاه‌های عمومی یا تخصصی، مانند دادگاه‌های پیش‌بینی‌شده در قانون هوای پاک (مصوب ۱۳۹۶)، مطالبات خود را مطرح کنند.

برای اثبات مسئولیت دولت، شاکی باید رابطه سببیت میان اقدام یا ترک فعل دولت و خسارت زیست‌محیطی را اثبات کند. گزارش‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست یا کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند به‌عنوان مدرک در این دعاوی استفاده شوند.

با این حال، چالش‌هایی مانند پیچیدگی فرایندهای قضایی و کمبود نظارت مؤثر پیگیری این دعاوی را دشوار کرده است. در مواردی که دولت مستقیماً مسئول تخریب نیست، اما در نظارت کوتاهی کرده است، می‌توان بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی (مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی) اقدام کرد. بنابراین، پیگیری مسئولیت مدنی دولت نیازمند استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود و تقویت آگاهی عمومی و نظارت قضایی است. برای موفقیت در این مسیر، همکاری میان نهادهای مدنی، وکلا و کارشناسان محیط‌زیست ضروری است.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net